

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۲۵ سپتمبر ۲۰۲۰

## گره کور دوحه به خاطر چیست؟؟

پنجشنبه- ۰۳ میزان ۱۳۹۹ - کابل: تا جایی که از مطالعه رسانه ها بر می آید، در مذاکرات بین دولت دست نشانده و طالب، دو موضوع خود را به مثابه نکات اختلافی برجسته ساخته اند، یکی گنجاندن فقه حنفی و دیگری موافقتنامه بین امریکا و طالب.

هرچند این دو مسأله در ظاهر قضیه زیاد مهم به نظر نمی خورند از همین رو عده ای افراد کوتاه نظر، آن را بیشتر به "انداختن سنگ در دبه" تشبیه نموده و طرفین را به کار شکنی متهم می سازند، مگر واقعیت قضیه آن طور نیست، به نظر من هر دو نکته، دیدگاه های مختلف و ستراتیژی های متفاوت دو طرف را نمایان می سازد. در یادداشت امروز خواهم کوشید تا دید خودم را از مسأله تقدیم بدارم:

۱- این که در جریان کار هرگاه مشکلی پیش آید و عقل طرفین جهت حل آن مشکل کوتاهی کند و ناگزیر به نقل مراجعه نمایند، آن نقل هم می باید، "فقه حنفی" باشد، هرگاه در پی چنین خواستی توطئه ستراتیژیک وجود نداشته باشد، اصولاً طرح آن منتفی می گردد.

اصولاً محتوای "فقه" بیان چگونگی انجام احکام دینی است. اهمیت آن هم کاملاً و مستقیماً متناسب است، با پایه ها و اساسات اولی اسلام، یعنی از توضیح و تشریح ۵ بنای مسلمانی آغاز می یابد و در امور اجتماعی در بهترین صورت تا زمان حیات بانی مذهب، "امام اعظم" را می تواند پاسخگو باشد. یعنی هرگاه معضل جوامع اسلامی، فرا تر و پیشرفته تر از معضلاتی باشد که در زمان "امام اعظم" وجود داشت، چه خواهیم و چه نخواهیم، نمی توانیم برای حل مشکل امروز خود از استخوان های پوسیده "امام اعظم" کمک بگیریم. نمونه برجسته این درماندگی در کل، فتوای است که "یوسف القرضاوی" بزرگترین و بالا مرتبت ترین عالم دینی جهان اسلام در مورد "قرضه خریدخانه" که چیزی به جز دادن "سود" نیست و در قرآن با شدت علیه آن موضعگیری شده است، صادر کرد و گرفتن "قرضه خریدخانه" را خلاف نص سربح قرآن و فقه حنفی حلال اعلام داشت.

حال با در نظر داشت این محدوده "فقه"، با قبول این که بحث در آنجا به هیچ وجه روی انجام و رعایت آداب نماز و روزه، مبطلات آنها، واجبات و مستحبات آنها و استتجاء و استبراء نیست، در اساس پیوند زدن بحث به این و یا آن فقه، موضوعیت مطرح شدن را ندارد.

وقتی چنین نکته ای که به روال و ادامه بحث ها هیچ ربطی ندارد تا جائی برجسته می گردد که از همان آغاز، مذاکرات را به شکست می کشاند و میزبان را وادار می سازد تا زیر نام مهمانی مجدداً آنها را دور یک میز بنشانند، بیانگر آن است که طرف مطرح کننده، از طرح خود هدف دیگری را دنبال می نماید، آن هدف "زیر پای کردن" اصل "آزادی مذاهب" است.

به عبارت رساتر، طالب از همین اکنون با در نظرداشت مشاهده ضعف های دولت دست نشانده و فشار بادرانش بر آنها جهت رسیدن به یک توافق قبل از انتخابات ماه نومبر در امریکا، می خواهد به تمام جعفری مذهبیان افغانستان و اسماعیلی مذهبیان افغانستان بگوید، که فکر بر خورداری از "آزادی مذهبی" را از ذهنتان دور کنید، در افغانستان آینده، یعنی افغانستانی که از جانب طالب اعمار و معرفی می گردد، فقط تسنن وجود خواهد داشت و دیگران از همان حقوقی برخوردار خواهند بود که پیروان سایر ادیان مانند هندو ها، مسیحی ها و یهود ها برخوردار می باشند، یعنی نه تنها هیچ گاهی حق نخواهند یافت تا در اداره تمام کشور به مثابه یک افغان کامل، از حقوق و مزایای مساویانه با پیروان مذهب تسنن برخوردار باشند، بلکه در برخی موارد ناگزیر هستند به مثابه انسان درجه دوم و سوم، اداره زندگی خودشان را نیز به دست ملای حنفی مذهب بسپارند.

۲- این که موافقتنامه طالب با امریکا متن قابل اعتبار شناخته شود آنهم تا آن حد که طالب از پذیرفتن "قرآن و حدیث" به نفع موافقتنامه انکار بورزد، گذشته از تبعات پذیرش چنین تفکری که از برتری دادن به موافقتنامه نسبت به "قرآن و حدیث" منبعث می گردد، طالب می خواهد تمام تلاش های حقوقی دولت دست نشانده من جمله "قانون اساسی" آن را به صفر ضرب بزند.

هموطنان گرامی!

با شناختی که از دولت دست نشانده داریم، می توانیم حدس بزنیم که نمایندگان آن دیر و یا زود تسلیم خواست طالب می گردند. ما می باید هوشیار و گوش به زنگ باشیم و به دولت دست نشانده این اجازه را ندهیم که در مقابل خواست های تبعیض آمیز و ضد انسانی طالب، زیر نام صلح سر فرود آورد و هر نوع عقب نشینی آنها را به برآمدن به جاده ها و قطع و تحریم مذاکرات پاسخ بگوئیم.

**مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، جزء لاینجزای مبارزه علیه دولت دست نشانده می باشد!**

**سرکها ما را می طلبند!**